

پایان یک دوران

چند فیلم اخیر ابرقهرمانی مارول و دی‌سی عملکرد موفقی در گیشه نداشته‌اند

نسرین کشفی برای بیش از یک دهه، فیلم‌های ابرقهرمانی فرانچایزهای سینمایی بوده‌اند و طرفداران بسیاری در سرتاسر جهان داشتند. کمپانی «مارول کمیکز» در سال ۲۰۰۸ با «مرد آهنی» فاز اول «جهان سینمایی مارول» Marvel Cinematic Universe یا به اختصار MCU را آغاز کرد و آن را تا سال ۲۰۱۲ ادامه داد. فازهای دوم (۲۰۱۳ تا ۲۰۱۵) و سوم (۲۰۱۶ تا ۲۰۱۹) دوران اوج MCU بود که طرفدارانش در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در باره بیش یافته‌ترین جزئیات این فیلم‌ها هم‌با شور و هیجانی وصف‌ناشدنی نظر به بردازی می‌کردند. «دسی کمیکز» که سال ۲۰۰۲ قصد داشت ابرقهرمانانش را در فرانچایزی گرد هم آورد، به دنبال شکست تجاری «گرین لانترا» در سال ۲۰۱۱ این ایده را تا سال ۲۰۱۳ که «جهان توسعه یافته دی‌سی» DC Extended Universe یا به اختصار DCEU را با «مرد پولادین» سوپرمن معرفی کرد به تأخیر انداخت. از این تاریخ به بعد، دی‌سی برای جانمندان از رقیب در برنانش هر سال یک یا دو فیلم ابرقهرمانی راهی پرده کرده و مارول هم فیلم‌ها و سریال‌های ابرقهرمانی متعددی را که دیگر حساب‌شان از دست دررفته در فازهای چهارم (۲۰۲۱ تا ۲۰۲۲)، پنجم (۲۰۲۳ تا ۲۰۲۵) و ششم (۲۰۲۵ تا ۲۰۲۷) MCU گنجانده است. با همه اینها، تماشاگران دیگر مثل سابق از ابرقهرمانان استقبال نمی‌کنند و این فیلم‌ها نمی‌توانند هزینه‌های سنگین تولید و تبلیغات‌شان را بازگردانند و به سوددهی برسند. سال گذشته دو فیلم «بلک آدام» و «موریوس» و امسال نیز دو فیلم «فلش» و «سبزما خشم خدایان» روی پرده رفتند و آنتور که انتظار می‌رفت مورد استقبال دوستداران ژانر ابرقهرمانی قرار نگیرد، حتی می‌رفت مورد استقبال دوستداران قرار نگیرد. «مرد مورچه‌ای» و «زنورک: شیدایی کوانتومی» که وضعیت بهتری از این فیلم داشت، تنها ۴۷۶ میلیون دلار فروش کرد و از دو قسمت دیگر مجموعه «مرد مورچه‌ای» که فروشی بالاتر از ۵۰۰ میلیون دلار داشتند، کمتر فروخت. چرا ابرقهرمانان دیگر فانتان بی‌چون و چرای گیشه نیستند؟ آیا دوره ابرقهرمانان سر آمده یا تماشاگران اشیاع شده‌اند و حداقل برای مدتی علاقه‌ای به موجوداتی با لباس‌های چسبان و قدرت‌های اسطوره‌ای ندارند؟ در این دو صفحه جواب این سؤال‌ها را پیدا می‌کنید.

غول‌های سینما علیه ابرقهرمانان



کارگردانی که فیلم‌های ابرقهرمانی دوست ندارند

کوئنتین تارانتینو

وجود دارد که نماینده کامل فیلم‌های کمنونی هستند. واقعا جای زیادی برای چیزهای دیگر وجود ندارد. مشکل من همین است؛ مشکل نمابندی کردن بخشی از روند مارول سازی هالیوود این است که شما این همه بازیگر دارید که با بازی در نقش این شخصیت‌ها معروف شده‌اند، اما آنها ستاره‌های سینما نیستند، قبول دارید؟ کاپیتان آمریکا ستاره است، تور ستاره است. من نخستین کسی نیستم که این حرف را می‌زند. فکر می‌کنم هزاران بار گفته شده اما این شخصیت‌های فرانچایز هستند که ستاره می‌شوند.



مارتین اکوریزی

خیلی از مؤلفه‌هایی که بسینما را برای من تعریف می‌کنند، در فیلم‌های مارول غایب هستند. در این فیلم‌ها خبری از الهام‌بخشی نیست، رمز و رازی وجود ندارد و آنها احساسات مخاطب را درگیر نمی‌کنند. در این آثار هیچ خبری از ریسک و خطر پذیری دیده نمی‌شود و این فیلم‌ها تنها ساخته شده‌اند تا نیازهای مشخص و از پیش تعیین شده‌ای را هدف بگیرند و مخاطبان خود را به شکل ثابتی راضی کنند و همواره موضوعات یکسانی را به شکل‌های مختلف نمایش دهند. این فیلم‌ها مثلا دنباله یکدیگر هستند، ولی در حقیقت می‌توان آنها را بازسازی‌هایی دانست که پشت سر هم اکران می‌شوند و یکدیگر را تکرار می‌کنند؛ فیلم‌هایی که همه چیز در آنها به شکل مصنوعی تنظیم می‌شود و فقط باید به یک شکل واحد تولید شوند.

اشباع بازار

تا قبل از آغاز فاز چهارم MCU، معمولاً سالی یکی دو فیلم مارول در کنار فیلمی از دی‌سی اکران می‌شد، اما از فاز چهارم تعداد فیلم‌ها و سریال‌های مارول رشد تصاعدی پیدا کرد و افول هم از همین جا آغاز شد. فیلم‌ها و سریال‌های ابرقهرمانی پشت هم از راه می‌رسیدند و تماشاگران آتقدر ابرقهرمان دیده بودند که کم‌کم دلزده شدند. درباره دی‌سی هم می‌توان همین را گفت. دی‌سی می‌خواست موفقیتی مثل مارول به دست آورد، پس باید تولیداتش را افزایش می‌داد در حالی که دی‌سی زن کاملاً متفاوتی با مارول دارد.

داستان تکراری

تقریباً همه فیلم‌های ابرقهرمانی، به‌رغم زمان بلند و تعدد شخصیت‌های شان، داستان‌های تک‌خطی و ساده‌ای دارند. بعد از اینکه تهدیدی به‌وجود می‌آید، ابرقهرمانان متحد می‌شوند که آن تهدید را هر طور شده خنثی کنند. در این راه ممکن است با هم دچار اختلاف شوند و در روی هم قرار بگیرند و حتی برای مدتی به دشمن همدگر تبدیل شسوند. اما سرانجام اختلاف‌ها حل می‌شود و از بین بردن تهدید اصلی به خواست و هدف اصلی همه آنها بدل می‌شود. در این بین، کمی عشق و تلاش برای یافتن هویت فردی هم وجود دارد.

روابط بین فیلم‌ها

فیلم‌ها و سریال‌های مارول به هم مرتبط هستند، مثلاً اگر کسی بخواهد کاملاً از دنیای MCU سسر در آورد، باید بیش از ۲۰ فیلم را ببیند تا کاملاً متوجه همه فضا یا شود. حالا اگر کسی فقط به یک شخصیت علاقه‌مند باشد و تمایلی به تماشای دیگر فیلم‌ها نداشته باشد، تکلیفش چیست؟ یکی از مشکلات اساسی مارول ساخت آثاری است که برای لذت بردن از آنها نیازی به دیدن همه فیلم‌های مجموعه نباشد. در واقع تماشای فیلم نباید مثل گذراندن یک واحد درسی منوط به پیش‌نیاز باشد. دی‌سی به دلیل جمع‌وجور بودن DCEU کمتر چنین مشکلی دارد.

شرواران ضعیف

ابرقهرمانان با آن همه بیال و کوبال و قدرت‌های ماورایی و ابزارها و وسایل پیشرفته و اعجاب‌آور نیاز به دشمنانی بهتر و قدرتمندتر دارند. همه کسانی که به تماشای فیلمی ابرقهرمانی می‌نشینند می‌دانند در آخر فیلم قهرمان محبوب‌شان پیروز خواهد شد (شاید فقط در «انتقام جویان: جنگ ابدیت» (۲۰۱۸) این قاعده نقض شد و «تانوس» در مقام شرور به پیروزی رسید)، ولی انتظار دارند شرور فیلم هم قدرت به چالش کشیدن قهرمان را داشته باشد و کاملاً از پیش شکست خورده نباشد. مارول و دی‌سی در این زمینه هر دو مشکل جدی دارند.

Black Adam



فرانسیس فورد کاپولا

وقتی مارتین اسکورسیزی می‌گوید فیلم‌های مارول سینما نیستند، کاملاً درست می‌گوید، چرا که ما انتظار داریم از سینما چیزی یاد بگیریم. ما انتظار داریم چیزی دستگیرمان شود، روشن‌گری خاصی داشته باشیم، مقداری دانش به ما اضافه شود و الهاماتی بگیریم. من تصور نمی‌کنم کسی چیزی از دیدن دوباره و دوباره چنین فیلم‌هایی عایدش شود. مارتین خیلی مودب بوده که گفته مارول فقط سینما نیست. او گفت این فیلم‌ها نفرت‌انگیز هستند، چیزی که من الان می‌گویم هستند!... قبلاً فیلم‌های استودیویی وجود داشت. اکنون فیلم‌های مارول وجود دارد و فیلم مارول چیست؟ فیلم‌هایی که بارها و بارها و بارها و بارها از روی یک الگوی اولیه ساخته می‌شوند تا متفاوت به نظر برسد.

Shazam



تداوم بازیگران

وقتی بازیگری در نقش یک ابرقهرمان جا می‌افتد و موفق می‌شود، تغییر آن «تقریباً» غیرممکن است. همین حالا کنار گذاشتن هنری کاول از «سوپرمن» و جایگزینی دیوید کورنسوت و واکنش تماشاگران به این تغییر به دغدغه دی‌سی بدل شده است. گاه بازیگران خودشان کنار می‌روند (مثل بن افلک در «بتمن») یا استودیو کنارشان می‌گذارد (مثل اداوارد نورتن در «هالک شکست‌انگیز»). در هر حال، تغییر بازیگر مخصوصاً به دلیل وابستگی فیلم‌ها به یکدیگر، به این فرانچایزها لطمه می‌زند. از طرف دیگر، بازیگران نقش‌های ابرقهرمانی باید کاملاً بین مردم محبوب باشند تا بتوانند چند سال این نقش‌ها را بازی کنند و اگر نه مثل چند فیلم اخیر شکست به بار می‌آید.

Morbis



اتهامات جنسی سه بازیگر فیلم‌های ابرقهرمانی

بازیگران فیلم‌های ابرقهرمانی باید تا حد امکان زندگی شخصی بی‌حاشیه‌ای داشته باشند

ازرا میلر

بازیگر نقش فلش که زندگی شخصی‌اش حاشیه‌های فراوانی دارد، در ۶ ژوئن ۲۰۲۲ از سوی یک مادر و دختر ۱۲ ساله‌اش بی‌ه رفتار غیر اخلاقی و نامناسب متهم شد. به گفته مادر این دختر ۱۲ ساله، میلر که همسایه آنهاست، رفتار نامناسبی با فرزند وی از خود نشان داده است. وکیل میلر این اتهامات را رد کرد و گفت تنها برخورد در دادگاه است.

تیوج هوئرتا

بازیگر نقش نامر در «پلنگ سیاه ۲» از سوی ماریا النا ریوس، نوازنده مکزیک‌ای ساکسیفون و فعال حقوق زنان، به تجاوز متهم شد. ریوس، هوئرتا را شکارچی جنسی خواند و گفت او ظاهری جذاب دارد و در فیلم مشهوری بازی کرده و همین‌ها کمک می‌کند تا قربانیان دیگری داشته باشد. هوئرتا این اتهامات را رد کرده است. ریوس پیش از این ماجرا در میلبیک توسط دو مرد که میجرز بی‌گناه است و به حضور چند بزرگسال دیگر یوده و اتفاقی رخ نداده است.

جاناتان میجرز

پلیس بازیگر نقش کانگ در «مرد مورچه‌ای ۲» را به جرم تعرض به یک زن در نیویورک سیتی دستگیر کرد. میجرز به خفه کردن این زن و تعرض به او متهم شد. شاکلی مدعی بود که میجرز سبلی محکمی به صورت او زده که باعث پارگی پشت گوش‌اش شده و همچنین گردن او را به حدی که کیود شود فشار داده است. میجرز آزاد شد و کلایش باره این اتهامات مدعی شدند که میجرز بی‌گناه است و به کسی تعرض نکرده و این حادثه ناشی از بحران روحی این زن رخ داده است.



گرافیک: محمد رشادگر